

نقش کاربست اشیا بر فرهنگ‌سازی دینی در سیره معصومین(ع) ♦

محمدمصطفی اسعدی^۱
حسن سلم‌آبادی^۲

چکیده

هدف: از انجام این پژوهش، شناسایی چگونگی کاربست اشیا و جمادات محیطی در سیره فرهنگی معصومان(ع) برای به دست آوردن الگوی مناسب در تعلیم و تربیت دینی جامعه بود. **روش:** روش تحقیق در این پژوهش، به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی بود. **یافته‌ها:** پیامبران و امامان(ع) در راستای نقش تعلیمی و تربیتی خود، به نگرش‌سازی دینی پرداخته، ذیل آن به انتقال نگرش توحیدی و نگرش صحیح به دنیا و آخرت، با به کارگیری اشیا اقدام کرده‌اند. در مرحله دوم برای گرایش‌سازی دینی از اشیا استفاده کرده و در این راستا به ایجاد گرایش به اهل بیت(ع) و ایجاد گرایش به اعمال صالح پرداخته‌اند. در مرحله سوم، کاربست اشیا را بستری برای انتقال آداب و رسوم و رفتار دینی قرار داده‌اند. بنابر این، کاربست اشیا در سیره معصومان(ع) در هر سه نظام فرهنگ به عنوان یک روش مستقل قابل مشاهده است. **نتیجه‌گیری:** نخست، لزوم توجه به ابزار کمک آموزشی در فرایند انتقال فرهنگ دینی و پرهیز از اتکای صرف به انتقال گفتاری فرهنگ؛ دوم، بهره‌برداری از تمام فضای دانشگاه در این حوزه و عدم انحصار آموزش فرهنگ به فضای کلاس درس؛ سوم، توجه به موضوع کاربست اشیا به عنوان عامل مکمل و مسهل در موضوع «فرهنگ‌پذیری».

واژگان کلیدی: سیره معصومین، فرهنگ دینی، تعلیم و تربیت دینی، کاربرد اشیا محیطی.

♦ دریافت مقاله: 96/11/20؛ تصویب نهایی 97/07/17.

1. دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی قم (نویسنده مسئول) / نشانی: قم، بلوار جمهوری، دانشگاه معارف اسلامی / نمابر:
Email: mm6307105@gmail.com / 32900450

2 کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی، عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه بجنورد.

الف) مقدمه

فراگیری معارف الهی منهای مسیر وحی، از طریق دریافت گفتار و رفتار پیامبران و امامان(ع) همواره برای مسلمانان فراهم بوده است. یکی از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبری به تصریح قرآن کریم، «تعلیم» است(بقره: 151) و ائمه(ع) نیز خود را مخازن «دانش» معرفی کرده‌اند(شیخ صدوق، 1378، ج 2: 272) که بخش وسیعی از آن در قالب متون حدیثی و نیز «سیره» در اختیار نسل حاضر قرار دارد. فراگیری آن دانش الهی در هر دوره‌ای به فراخور حال فراگیران قابل انعطاف بوده؛ زیرا هر پیامبری به زبان قوم خود معبوث شده(ابراهیم: 4) و ائمه نیز شرایط اجتماعی و فرهنگی عصر خود را مد نظر قرار می‌دادند.

یکی از عناصر مشترک در فرایند آموزش که از دیرزمان در اختیار معصومان(ع) و هر آموزگاری برای آموزش علوم و فنون قرار داشته و هیچ‌گاه دور از دسترس نبوده، اشیای محیطی است که نه تنها در فضاهای آموزشی، که حتی در اماکن غیر آموزشی، بستر انتقال گزاره‌های علمی و معرفتی را فراهم و این قابلیت را ایجاد می‌کنند تا بتوان به صورت مضاعف به سمت اهداف فرهنگی و آموزشی گام برداشت. مراد از اشیاء، تمام جمادات قابل رؤیت بصری و ملموس موجود در محیط است و فرقی نمی‌کند که بکر باشند یا ساخته دست انسان.

در تعریف فرهنگ، عبارات گوناگونی از سوی فرهنگ‌شناسان و جامعه‌شناسان ارائه شده است. این واژه در مغرب‌زمین و مشرق‌زمین، افتراقات و اشتراکات معنایی دارد(کاشفی، 1392: 30-24). در ایران اما تعریف اصطلاحی آن میان نظریه‌پردازان، دامنه‌ای وسیع دارد(آشوری، 1357: 38) که تعارضی با یکدیگر نداشته، هر کدام به بخشی از فرهنگ اشاره دارند. تعریف مختار این واژه را می‌توان چنین ارائه کرد: بینش و منش انسان به عنوان فرد یا جامعه.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که: در سیره فرهنگی معصومان و فرایند آموزش دین در عملکرد آنان، اشیاء و جمادات محیطی چه نقش و جایگاهی داشته‌اند؟ به دیگر سخن؛ اشیاء در سیره معصومان بر چه بخش‌هایی از فرهنگ دینی و انتقال آن به مخاطب اثربخش بوده‌اند؟ فرضیه تحقیق آن است که با توجه به شرایط محیطی و زمانی، کاربری اشیاء در ساخت تمام اجزای فرهنگ دینی(نگرش دینی، گرایش دینی و رفتار دینی) قابل مشاهده است. مطالعه و پژوهش در سیره معصومین به دلیل نقش و جایگاه تعلیمی و تربیتی آنان در جامعه دینی ما اهمیت مضاعف دارد و وجود مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و اطلاعات در جهت ارتقای کیفیت فعالیتهای فرهنگی برای نهادهای فرهنگی ضروری است.

ب) ضرورت تحقیق

بی‌تردید فرهنگ‌سازی دینی در محیط علمی مانند دانشگاه، باید به روش علمی صورت گیرد و این روش علمی جز با پژوهش در سیره پیشوایان دینی حاصل نمی‌شود؛ زیرا آنان الگوهای فرهنگ‌سازی در بسترهای گوناگون تلقی می‌شوند و تمام آنچه از آنان به ما رسیده، محتوای تام مهندسی فرهنگی در یک جامعه است که امروزه بخشی از آن، دانشگاه است. از این رو، اساتید معارف اسلامی بایستی از تمام گونه‌های انتقال فرهنگ در محیط آموزشی آگاه باشند و این موضوع را منحصر در انتقال گفتاری پیام فرهنگی ندانند. لذا اگر در پژوهشی مستقل به نقاط ضعف انتقال فرهنگ دینی به دانشجویان در دانشگاه توجه شود، آگاهی از تنوع روشی معلمان معصوم، یکی از موضوعات قابل توجه خواهد بود.

بنابر این، مدافقه در سیره انبیای الهی و امامان معصوم برای به دست آوردن الگوهای مناسب برای ترویج فرهنگ دینی در محیط‌های فرهنگی، به خصوص دانشگاهها، قابل توجه خواهد بود. روش تحقیق در این پژوهش، گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی است.

ج) پیشینه تحقیق

پیش از این در پژوهشی (محمدقاسمی، 1392)، نگارنده به موضوع نمایش خلاق مفاهیم دینی در سیره و استفاده از حرکت و حالات دست و نیز استفاده از اشیا و نمونه‌های عینی و همچنین فن رسم پرداخته است. با وجود اشتغال جزئی برخی مطالب مقاله مذکور با نوشتار حاضر، آن اثر با نگاه صرفاً آموزشی به موضوع نگریسته و با ابعاد فرهنگی این پژوهش همسویی ندارد؛ منهای آن که تنها به سیره چهارده معصوم پرداخته و پردازی در سیره پیامبران ندارد.

د) نگرش‌سازی دینی

نگرش¹ نوعی موضع‌گیری قبلی برای انجام عمل مثبت یا منفی نسبت به اشخاص، اشیا و حوادث است و نقش جهت‌دهنده در تبدیل حالات روانی، عاطفی به حالات حرکتی ایفا می‌کند. از نظر روان‌شناسی؛ مفاهیم نگرش، تفکر قالبی و سطح آرزو، از مفاهیم روانی اجتماعی‌اند که طرحی سازمان‌یافته از محرکها را ارائه می‌کنند. فرد، تنها در سایه ارتباط با گروه است که می‌تواند به چنین سازمانی روانی مجهز شود (شرف‌الدین، 1377). نگرش، بخش عمده فرهنگ یک فرد یا جامعه و در واقع همان ذهنیت‌های حاکم بر

وجود انسان است که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند و این، حداقل نیمی از عوامل تعیین‌کننده و پیش‌برنده و جهت‌دهنده به همه رفتارهاست. (دغدغه‌های فرهنگی، 1390: 19)

پیروان هر دین و ملتی، رفتارهای خود را نخست بر اساس باورها و نوع نگاه و نگرشی که توسط عوامل خانوادگی، محیطی و اموری از این دست ایجاد شده، بروز می‌دهند. رهبران و مصلحان اجتماعی برای تغییر رفتارهای ناصحیح مردم ابتدا می‌کوشند به اصلاح اندیشه‌ها پرداخته، نگرش افراد را نسبت به یک هنجار متروک یا ناهنجار مبتلابه تغییر دهند. نهضت اصلاحی انبیا نیز در همین راستا واقع شده است. امیرالمؤمنین یکی از حکمت‌های بعثت پیامبران را نمایان‌سازی گنجهای پنهانی عقلها (نهج‌البلاغه، خطبه 1) دانسته‌اند که مستقیماً با اندیشه‌ورزی در ارتباط است. امامان بسان پیامبران، در تمامی رفتارهای خود، چنین غرضی را دنبال می‌کردند. نظام شناختها و باورها، شالوده فعالیت بشر در گستره اندیشه است و از تصورها، باورها، آموزه‌ها و شیوه‌های استدلالی در زمینه تفسیر انسان، جهان هستی، زندگی و چگونگی رابطه انسان با طبیعت و ماورای آن پدید می‌آید. (کاشفی، 1392: 33)

مهم‌ترین ابعاد نگرش‌سازی دینی که با کاربرد اشیا همراه است، در زمینه‌های ذیل مشاهده می‌شود.

1. انتقال نگرش صحیح توحیدی

مهم‌ترین مؤلفه در باب نگرش دینی، دریافت صحیح از مبدا هستی است که در ادبیات دینی از آن به «توحید» یاد می‌شود. در سیره انبیای اولوالعزم، رفتار حضرت ابراهیم در مقابل بت‌پرستان در همین راستاست. او در مقابل جامعه مشرک زمان خود، با طراحی صحنه‌ای دقیق و با استفاده از اشیایی ساده، یک آموزه مهم فکری را بدانها منتقل کرد. بتهای شکسته و تبری بر دوش بت بزرگ، اشیایی بودند که بت‌شکن بزرگ تاریخ بدان وسیله به قوم خود تفهیم کرد که آن مصنوعات دست بشر، قدرتی از خود ندارند تا کاری انجام دهند. پس از آن، ابراهیم هوشمندانه فرایند آموزش و اصلاح نگرش را با این سؤال تکمیل کرد که «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد و نه زبانی به شما می‌رساند؟ اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید! آیا اندیشه نمی‌کنید» (انبیا: 66-67). این روش برای بیدارسازی ذهن مخاطب نسبت به حقیقتی مغفول و واقعی قابل درک است که همان توحید و شرک‌زدایی است.

برخورد تند حضرت موسی با بنی اسرائیل که به گزارش قرآن کریم همراه با انداختن الواح تورات به عنوان اشیایی مقدس بوده را نیز می‌توان ذیل همین کارکرد لحاظ کرد؛ زیرا طبق بیان برخی مفسران، او در حال توبیخ و مذمت قوم خود بوده است (طباطبایی، 1390، ج 8: 251). قطعاً این مذمت و برخورد خشم‌آلود به خاطر تغییر جهت بنی اسرائیل از توحید به شرک و گرایش به گوساله‌پرستی بوده است.

در خصوص شناخت صفات خداوند نیز کاربرد اشیا در سیره معصومان مشهود است. در بیان نفی مکان از خداوند، نقل است که جاثلیق و صد نفر از مسیحیان پس از رحلت رسول خدا نزد ابوبکر آمده،

نقش کاربست اشیا بر فرهنگ‌سازی دینی در سیره معصومین (ع) ♦ 583

پرسشهایی مطرح کردند که او از جواب باز ماند. سپس نزد امیرالمؤمنین رفته، سؤالات خود را پاسخ گرفتند. جاثلیق به امام عرض کرد: مرا از چهره خداوند آگاه ساز. علی (ع) هیزم طلبید و آتشی روشن کرد و سپس از او پرسید: چهره آتش کجاست؟ گفت: همه جوانب آتش چهره آن است! امام فرمود: تو درباره آتش که مصنوع خداست، توانایی شناسایی چهره را نداری؛ چطور می‌خواهی چهره خالق را که به هیچ روی شباهتی بدان ندارد، درک کنی؟ (مجلسی، 1403، ج 3: 328)

گاهی نیز کاربست اشیا در فرهنگ‌سازی توحیدی، به صورت بصری اجرایی شده است. نمونه آن، زینتهای شخصی معصومان است. وقتی همگان مشاهده کنند که نقش نگین انگشتر معصوم «لَعِزَّةٌ لِلَّهِ» (طبری، 1413: 216)، «حَسْبِيَ اللَّهُ»، «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کلبی، 1407، ج 6: 473) و مانند آن است، منهای بار معنوی و تبرک آن عبارات، این متون ناقل پیام خدامحوری و ترویج گفتمان توحید در فضای فرهنگ عمومی جامعه‌اند.

باید توجه داشت که تمام موارد کاربست اشیا در سیره پیامبران و رسول خاتم به عنوان ارائه معجزه به مخاطبان، همانند عصای موسی یا گلی که عیسی به اذن خداوند تبدیل به پرنده می‌فرمود، برنامه‌ای در جهت نگرش‌سازی مطابق محتوای دعوت و صدق رسالت آن پیامبر بوده است؛ هر چند به علت خرق عادت و اختصاص به جایگاه نبوت، قابل پیروی و الگوگیری نیستند.

2. انتقال نگرش صحیح به دنیا

از آنجا که گرایش به دنیا و محبت آن مطابق بیان معصومین، عامل و منشأ تمام خطاهای بشری است (کلبی، 1407، ج 2: 315)؛ یکی از مهم‌ترین جوانب فرهنگ‌سازی مردان دین، ایجاد نگرش صحیح در مخاطبان خود نسبت به حقیقت دنیا و جایگاه آن در اندیشه دینی بوده است؛ زیرا تا زمانی که حقیقت دنیا به درستی در ذهن فرد ترسیم نشود، دچار شدن به آسیبهای مرتبط با آن، دور از انتظار نیست. معصومان در هر شرایطی و با هر ابزاری برای ایجاد نگرش صحیح درباره دنیا اقدام فرموده‌اند. عبدالله بن عباس گزارش می‌دهد: در منطقه ذی‌قار بر امیرالمؤمنین وارد شدم. ایشان در حالی که کفش خود را وصله می‌زد، پرسید: ارزش این کفش چند است؟ گفتم: هیچ! فرمود: به خدا سوگند این کفش پاره در نظر من از حکومت بر شما محبوب‌تر است، مگر اینکه بتوانم حقی را اقامه و باطلی را دفع کنم (نهج‌البلاغه، خطبه 33). امام در این صحنه با تشبیه موضوع حکومت به یک شیئی بی‌ارزش، این گزاره را منتقل می‌کنند که حکومت و قدرت سیاسی در نظر ایشان بسیار ناچیز و بی‌مقدار است. در حقیقت؛ امام به سادگی، ملاک ارزش را با استفاده از یک شیء ساده منتقل و آن را مصور کرده است.

لزوم سرگرم نشدن به آرزوهای دنیوی، موضوع دیگری است که در سیره نسبت بدان نگرش‌سازی شده است. رسول خدا دو سنگریزه را یکی پس از دیگری به زمین افکنده، فرمودند: آیا می‌دانید این دو چه هستند؟ گفتند: خدا و رسولش آگاه‌ترند؛ یکی آرزو و دیگری مرگ است (ترمذی، 1403، ج 4: 229). در بیان

روشن‌تر، آن حضرت سه قطعه چوب را یکی در مقابل خود، دومی را در کنار خود و سومی را با فاصله کمی دورتر در زمین فرو برده، فرمودند: این انسان است؛ این مرگ و آن دیگری آرزو است که فرزند آدم به دنبالش می‌رود، اما مرگ می‌رسد و او به آرزو نمی‌رسد. (ورام بن ابی‌فراس، 1410، ج 1: 272)

3. انتقال نگرش صحیح به آخرت

بخش دیگری از فرهنگ‌سازی دینی در سیره معصومان، مرتبط با فرجام حضور انسان در دنیا است که جهان پس از مرگ و آخرت را در بر می‌گیرد. در مقابل مکاتب غیر الهی که یا نگرش روشنی درباره سرای دیگر نداشته یا تفکرات موهومی در این باره دارند، در فرهنگ الهی و اسلامی این نگرش با بیانات گوناگون ترسیم شده و حتی از اشیا نیز بهره گرفته شده است.

امیرالمؤمنین در پاسخ فردی یهودی که از ایشان مکان بهشت و جهنم را پرسید، طلب هیزم کردند و پس از روشن کردن آتش، به وی فرمودند: وجه و روی این آتش کجاست؟ عرض کرد: وجهی ندارد. فرمودند: پروردگار من برتر از این مثل است و برای خداست مشرق و مغرب و به هر سو رو کنید، آن جا خداست. (شیخ صدوق، 1362، ج 2: 597)

کار بست اشیا در سبک نگرش‌سازی معصومان، در پاسخ به پرسشها و درخواستهای مخاطبان نیز جاری بوده و استفاده از آنها برای انتقال پیام هشدار نسبت به عذاب اخروی یکی از نمونه‌های این روش است. امیرالمؤمنین علی (ع) برای تخویف عقیل نسبت به خطر اخروی سوءاستفاده از بیت‌المال، آهن گذاخته را به دست وی نزدیک کرد و ضمن مؤاخذه، سختی عذاب الهی را یادآوری فرمودند. (نهج‌البلاغه، خطبه 224)

در سیره معصومان، کار بست اشیا در تفهیم جزئیات بهشت و دوزخ نیز جاری بوده است. هنگامی که ابن ابی‌العوجا درباره کیفیت عذاب در آیه 56 نسا پرسید: گناه پوستهای دیگر چیست؟ امام فرمودند: این همان است و این آن نیست! سپس در تفهیم بیشتر این موضوع در پاسخ به سؤال وی فرمودند: بگو اگر کسی خشتی را بشکند و بعد با آب آغشته‌اش کند و به گل تبدیلش کند، آیا این خود آن نیست و غیر از آن نیست؟ او گفت: بله خداوند بر عمرت بیفزاید. (ورام بن ابی‌فراس، 1410، ج 2: 73)

معصومان حتی خود را با این شیوه نسبت به آخرت توجه می‌دادند و نگرش الهی خود را این گونه تقویت می‌کردند. امیرالمؤمنین در منزل بیوه یکی شهدای مرزبان و یتیمان، صورتشان را نزدیک آتش تنور آورده، با خود می‌گفتند: «حرارت آتش را بجش یا علی؛ این است جزای آن کس که در کار یتیمان و بیوه زنان کوتاهی می‌کند...» (ابن شهر آشوب، 1379، ج 2: 116)

موضوع دیگر در قبال آخرت، پرهیز از سهل‌اندیشی نسبت به گناهان و توجه نسبت به تجمع گناهان در آخرت است. رسول خدا در یکی از سفرهای خود، برای توجه‌دهی اصحاب نسبت به کوچک‌انگاری گناهان

585 نقش کاربست اشیا بر فرهنگ‌سازی دینی در سیره معصومین (ع) ♦

و عظمت مجازات اخروی، در زمینی بی‌گناه، دستور به جمع‌آوری هیزم داد و پس از جمع شدن مقدار زیادی چوب، آنان را بدین وسیله نسبت به جمع شدن سینات در آخرت متوجه کردند. (ابن‌هیون، 1385، ج 1: 169)

درک چستی و چگونگی عذاب مجرمان، بخش دیگری از نگرش صحیح نسبت به آخرت است. مردی نزد خلیفه سوم آمد و با نشان دادن جمجمه شخص مرده‌ای، گفت: شما معتقدید که این جمجمه در قبر عذاب می‌شود؛ در حالی که من حرارت آتش را بر آن احساس نکردم. عثمان پاسخ این پرسش را به امیرالمؤمنین حواله داد. امام آتشگیره و سنگ چخماق طلبید و بعد از روشن کردن آتش، به او فرمودند: دستت را بر سنگ بگذار. او گذاشت. سپس فرمودند: دستت را بر این آتشگیره بگذار. آیا از این دو حرارت، آتش را احساس کردی؟! مرد مبهوت شد و پاسخ خود را دریافت. (امینی، بی‌تا، ج 8: 214)

هـ) گرایش‌سازی دینی

میل و رغبت آدمی به چیزی یا تمایل انسان برای حرکت به سمت شیئی خوشایند، گرایش نامیده می‌شود (دمخدا، 1341، ج 11: 16775). در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که به بینش تعبیر می‌شود و در اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد که به «گرایش» تعریف می‌شود. این دو عامل اساسی؛ یعنی «بینش» و «گرایش»، سبب پیدایش «کنش» یا رفتار می‌شود (جلالی، 1380). از این رو، باید گرایش‌سازی در حوزه عملیات فرهنگی را فرایندی احساس‌مدار دانست که عاطفه شخص را تحریک می‌کند.

متعلق گرایش‌سازی در سیره آموزشی معصومان، گاهی اولیای الهی و به طور مشخص اهل بیت و گاه اعمال صالح است که ترغیب نسبت به این امور، جزء اهداف آموزشی و فرهنگی معصومان بوده و گه‌گاه از طریق کاربست اشیا صورت پذیرفته است.

1. ایجاد گرایش به اهل بیت

به تصریح قرآن کریم، مودت نزدیکان و اهل بیت رسول خدا به عنوان اجر رسالت تلقی شده (شوری: 23) و بر مسلمانان لازم است. از این رو، موضوع گرایش به اهل بیت باید در فرایند فرهنگ‌سازی دینی لحاظ شود. تأکید بر این مسئله بارها در سخن پیامبر اسلام دیده شده است. اما گه‌گاه کاربست رسانه‌ای اشیا در این راستا در سیره قابل مشاهده است.

ابی‌بصیر از امام صادق (ع) روایت می‌کند: در خانه ام سلمه، رسول خدا (ص) علی و حسنین و فاطمه را زیر کسا وارد کردند و سپس فرمودند: خداوندا هر پیامبری اهل و ثقلی دارد و اینان اهل بیت و ثقل من‌اند. ام سلمه پرسید: آیا من از اهل شما نیستم؟ فرمودند: تو در خیری؛ اما آنان اهل و ثقل من‌اند (کلی، 1407، ج 1: 287). این موضوع که سالها بعد در روز شورا هم مورد استناد و احتجاج امیرالمؤمنین واقع شد (شیخ صدوق،

1362، ج 2: 561؛ حکایت از جایگاه اهل بیت در لسان رسول خدا دارد؛ به گونه‌ای که افراد زیر کسا دارای رفعت مقام ویژه‌اند. ایشان این پیام را با شیئی خاص منتقل و ماندگار می‌کنند و شاهدان در صحنه را به درک جایگاه پنج نفر به طور ویژه رهنمون می‌شوند. مشابه همین موضوع دربارهٔ ردای رسول خدا نیز نقل شده است (حسکانی، 1411، ج 2: 27). از دیگر سو، این رفتار با استفاده از آن شیئی خاص، مبین کلام وحی است که همگان را بر مبنای اجر رسالت مأمور به مؤدّت نسبت به نزدیکان پیامبر فرموده است. (شوری: 23)

در جریان تاریخی حدیث طبر نیز این موضوع به شکل دیگری جلوه‌گر می‌شود. به نقل ترمذی، نزد پیامبر پرنده‌ای پخته شده بود. حضرت فرمودند: پروردگارا! محبوب‌ترین مخلوق خود را بفرست تا این را با هم تناول کنیم. در این حال، علی(ع) وارد شد و ایشان با یکدیگر آن را میل فرمودند (ترمذی، 1403، ج 2: 299). ابن اثیر در ادامه این گزارش آورده است: وقتی پیامبر دعا فرمود، ابوبکر آمد؛ اما ایشان اجازهٔ ورود نداد. عثمان نیز آمد، ولی پیامبر باز اجازهٔ ورود نداد. پس از آنها علی(ع) آمد. (ابن اثیر، 1285، ج 4: 30)

در این راستا به کارگیری سایر اشیای مقدس و متبرک توسط ائمه، مثل عمامهٔ رسول خدا (شیخ صدوق، 1376، امالی: 159) در صحنه‌های عمومی نیز کارکردی همسان داشته است؛ زیرا ناقل بصری پیام همسویی مسیر امامان با آرمان رسول خدا در جامعهٔ آشفتهٔ پس از رحلت پیامبر بوده است.

بُعد دیگری در این مسئله وجود دارد که البته کارکرد آن عمومی است و اختصاص به اهل بیت ندارد؛ ولی به هر حال گرایش‌ساز است. هدیه دادن، روشی است که مطابق بیان اهل بیت، باعث جلب محبت و حتی کینه‌زد است (کلینی، 1407، ج 5: 144). از این رو می‌توان مستقیماً آن را گرایش‌ساز دانست. در فضای پس از رحلت پیامبر که خاندان رسالت در فشار و بایکوت رسانه‌ای قرار داشتند، این موضوع روش مناسبی برای تألیف قلوب ناآگاهان از جایگاه ایشان به شمار رفته است.

2. ایجاد گرایش به اعمال صالح

در کنار مسائل فکری و قلبی، علاقه‌مندی‌سازی مخاطب به انجام هنجارهای دینی و اعمال حسنه، بُعد دیگری از فعالیت فرهنگی معصومان است که کاربست اشیا در این بخش نیز قابل ملاحظه است. در باب بیان آثار نماز به مثابهٔ یک عمل صالح، ابی‌عثمان نقل می‌کند: همراه سلمان زیر درختی نشسته بودیم که او شاخهٔ خشکی را که برگهایش خشکیده بود، در دست گرفت و دستی بر آن کشید تا تمام برگهای آن فرو ریخت. آنگاه گفت: آیا نمی‌پرسی چرا این کار را کردم؟ گفتم: چرا؟ گفت: زیر درختی نزد رسول خدا بودم که ایشان همین کار را انجام دادند و فرمودند: همانا مسلمان هنگامی که وضوی نیکو می‌سازد و سپس نمازهای پنج‌گانه‌اش را به جا می‌آورد، خطاهایش فرو می‌ریزد، همان‌گونه که این برگها فرو ریخت (طبرسی، 1372، ج 5: 307). در این بیان، رسول خدا کارکرد معنوی نمازهای یومیه را به حالت یک شیئی خاص تشبیه

نقش کاربست اشیا بر فرهنگ‌سازی دینی در سیره معصومین (ع) 587

کرده، پیام گرایش‌ساز خود را این‌گونه منتقل می‌کنند تا هدف فراگیری یک گزاره معرفتی و افزایش گرایش به این عمل محقق شود.

گاهی اشیای مقدس در دین، محور ایجاد گرایش به اعمال صالح بوده‌اند. امیرالمؤمنین در حرکت به سمت بصره، قرآن را بر زین اسب خود قرار دادند (کلینی، 1407، ج 5: 33). براینند این حرکت، قرآنی بودن عملکرد ایشان و انتقال پیام محوریت قرآن در حرکت جهادی امام به مخاطبان است. مورخان در تاریخ قیام عاشورا گزارش می‌دهند که امام حسین به هنگام حرکت به سمت دشمن، قرآن را در مقابل خود قرار دادند (ابن کثیر دمشقی، 1407، ج 8: 178). در حقیقت؛ در این صحنه‌ها قرآن کریم به عنوان شیئی مقدس، نمادی برای هویت‌بخشی و انتقال پیام ارزشمند جهاد امام است.

گاهی حتی امامان با کاربست شیئی ساده، به فرهنگ‌سازی در قبال معضلات اجتماعی در جامعه اقدام کرده‌اند؛ امام حسین (ع) شاخه ریحانی را که کنیزی به ایشان هدیه می‌دهد، بهانه آزادی وی قرار داد (ابلی، 1381، ج 2: 31) که طبعاً وسیله‌ای برای گرایش‌سازی نسبت به موضوع مهم آزادی برده و کنیز می‌تواند باشد.

در بخش دیگر که گاه کاربست اشیا در کنار ایجاد گرایش به رفتارهای مثبت، حالت تشویقی نیز به خود گرفته است. گزارش مسمع بن عبدالملک از عملکرد معصوم در تشویق مخاطب به خاطر برخورد و رفتار شاکرانه وی قابل توجه است: در صحرائی منا نزد امام نشسته بودم و در مقابل ما، ظرفی انگور قرار داشت. سائلی نزد امام رسید و تقاضای کمک کرد. امام خوشه‌ای انگور به وی دادند. او گفت: نیازی به این ندارم و تقاضای پول کرد. امام فرمودند: خدا به تو وسعت بدهد. او رفت و سپس برگشت و همان را طلبید؛ اما امام به وی نداده و دوباره برایش دعا کردند. بعد از آن، سائل دیگری آمد و تقاضای کمک کرد. امام تنها سه جبه انگور به وی دادند. سائل آن را از دست امام گرفت و گفت: «الحمد لله رب العالمین الذی رزقنی». امام به او فرمودند: بمان. سپس دو دستان خود را از انگور پر کرده و به سائل دادند. سائل دوباره حمد الهی به جای آورد. امام نیز دوباره دستور ماندن به وی دادند و به غلام خود فرمودند: چه مقدار پول به همراه دارد؟ حدود بیست درهم از او گرفته و به سائل دادند. او عرضه داشت: «الحمد لله هذا منک وحدک لا شریک لک». امام برای بار سوم امر به ماندن وی کردند و پیراهن خود را درآوردند و به وی هدیه دادند و فرمودند: بپوش. سائل لباس امام را پوشید و عرض کرد: «الحمد لله الذی کسانى و سترنى». سپس رو به امام کرد و از ایشان نیز تشکر کرد و رفت (کلینی، 1407، ج 4: 49). این رفتار معصوم، نه تنها جنبه تشویق مخاطب به خاطر لسان شکور است، بلکه ترسیم زیبایی ازدیاد نعمات در برابر شکر بندگان است که وعده الهی در قرآن است. (ابراهیم: 7)

3. انتقال آداب و رسوم و رفتار دینی

بخش دیگری از فرهنگ‌سازی دینی مربوط به آموزش صحیح و انتقال کامل مناسک دینی در فضای عمومی جامعه است. این موضوع نیازمند استفاده از تمام روشهای آموزشی و رسانه‌ای به اقتضای زمان است. این تعلیم به عنوان یک فعالیت فرهنگی گاهی با استفاده از اشیا به انجام رسیده است. امام صادق(ع) در تفسیر آیهٔ مربوط به میانه‌روی در انفاق(قرآن: 67)، مقداری سنگریزه از زمین برداشته، محکم در دست گرفتند و فرمودند: این همان اقرار و سختگیری در انفاق است. سپس مشت دیگری برداشتند و دست را گشودند تا همه روی زمین ریخت. آن‌گاه فرمودند: این همان اسراف است. مرتبهٔ سوم مشت دیگری سنگریزه برداشتند و کمی دست خود را گشودند و مقداری از سنگها ریخت. سپس فرمودند: این همان قوام و میانه‌روی در انفاق است. (کلینی، 1407، ج 4: 54)

در همین راستا یکی از بایسته‌های افزایش تأثیر بر مخاطب در فرایند انتقال پیام، آراستگی و جذابیت حامل و ناقل پیام است. نظافت و پاکی از پیرایه‌های بدنی و پوشاکی، از یک سو عامل فطری جذب مخاطب به سوی آموزگار است و از سوی دیگر، باعث الگوگیری مثبت در این زمینه خواهد شد. لذا همان‌گونه که در آموزه‌های دینی بر نظافت تأکید فراوان شده(طبرسی، 1370: 40)، در سیرهٔ معصومان نیز این موضوع اجرایی شده است. بخش مهمی از کاربست اشیا در حیات آنان نیز در همین راستا بوده است.

در سیرهٔ رسول خدا نقل شده ایشان هنگام برخاستن از بستر، مسواک می‌زد؛ در سفر، شش وسیله همراه می‌برد: ظرف خرما، قیچی، سرمه‌دان، آینه، شانه و مسواک(ابن حیون، 1385، ج 1: 118). آن بزرگوار در آینه نظر می‌فرمود و موهایش را مرتب می‌کرد، شانه می‌کشید و می‌فرمود: خداوند از بنده‌اش دوست دارد هنگامی که به سوی برادرانش می‌رود، آماده و زیبا شود(طبرسی، 1370: 34). طبعاً برای کسی که اطرافیانش همه متریان اویند و مخاطبانش دائماً با او در تماس‌اند، این اهتمام به نظافت و جذابیت، ضروری و قطعاً دارای کارکرد گرایشی است؛ زیرا صورت و ظاهر زیبا و پاکیزه در روان مخاطب تأثیر مستقیم دارد.

توجه به استعمال اشیای معطر، بخش دیگر این کارکرد است. طبق نقل، رسول خدا بیش از آن مقدار که برای طعام هزینه می‌کرد، برای بوی خوش هزینه می‌کرد(طبرسی، 1370: 43). امام سجاد(ع) مشک‌دانی از قلع داشت که در آن مشک نهاده بود و هنگام لباس پوشیدن و خروج از منزل از آن به خود می‌مالید(همان: 42). نیز نقل است جایگاه امام صادق(ع) در مسجد و سجده‌گاه ایشان با بوی خوشش شناخته می‌شد(همان)، که این خود نوعی نماد حسی تلقی می‌شود.

نقش کاربست اشیا بر فرهنگ‌سازی دینی در سیره معصومین(ع) ♦ 589

انتقال مهارت‌های کاربردی مرتبط با آموزه‌های دینی، به عنوان آخرین بخش از این فعالیت فرهنگی معصومان لحاظ می‌شود. سماعه نقل می‌کند: به امام صادق(ع) عرض کردم: فدایت شوم؛ وقت نماز چه زمانی است؟ امام جلو آمدند؛ در حالی که به راست و چپ نگاه می‌کردند و گویا دنبال شیئی می‌گشتند. وقتی چنین دیدم چوبی را آورده و گفتم: این را می‌خواستید؟ فرمودند: آری. چوب را گرفتند و آن را در مقابل خورشید در زمین فرو کردند. سپس فرمودند: هنگامی که خورشید طلوع می‌کند، سایه‌اش بلند است؛ سپس سایه کوتاه می‌شود تا حدی که کلاً از بین می‌رود. وقتی چنین شد، سایه مجدداً بلند می‌شود. وقتی بلند شدن سایه را دیدی، نماز ظهر را اقامه کن. سپس به قدر یک ذراع(از سر آرنج تا نوک انگشت) صبر کن و نماز عصر را به جای آور(طوسی، 1407، ج 2: 27). معصوم این گونه با به کارگیری شیئی ساده، روش تعیین وقت نماز را آموزش می‌دهد.

(و) بحث و نتیجه‌گیری

در جهان امروز که نقش و نیروی فرهنگ در تعالی و رشد جوامع نسبت به گذشته به مراتب افزون‌تر شده، ضرورت هماهنگی و همسویی صاحب‌نظران و کارشناسان و برنامه‌ریزان هر کشور با نیازهای فرهنگی نیز بیشتر احساس می‌شود. جامعه‌ای رشدیافته است که بتواند نیازهای فرهنگی خویش را در رهگذر حیات و حرکت اجتماعی شناسایی کرده، قدرت پاسخگویی به این نیازها و بهره‌گیری از آنها را در جهت رشد و کمال معنوی و مادی دارا باشد. شرط لازم برای تحقق چنین مطلوبی آن است که در هر کشور، زمامداران و مسئولان فرهنگی با واقع‌نگری، حداکثر بهره‌گیری را با برنامه‌ریزی دقیق و درست و شناخت نیازهای جامعه بتوانند برنامه‌ریزی کرده، اهم محوره‌های لازم برای این حرکت را تشخیص دهند و تعیین کنند.

امام خمینی می‌فرماید: فرهنگ، مبداء همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است. خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی، ملی و انقلاب فرهنگی، در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید... راه اصلاح یک ملت، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع شود(امام خمینی، 68-1361، ج 1: 273؛ ج 10: 55). بنابر این، تقویت (استفاده از) ظرفیتهای پژوهشی برای برنامه‌ریزی و فعالیت‌های فرهنگی باید در اولویت سیاست‌های فرهنگی قرار گیرد. از این رو، برای نیل به جامعه‌ای با فرهنگ غنی اسلامی، اتخاذ روش‌های فرهنگی ملهم از سیره معصومین در مسیر ترویج فرهنگ اسلامی، به دلیل نقش و جایگاه تعلیمی و تربیتی آنان، یکی از مهم‌ترین این سیاست‌هاست.

بنا بر یافته‌های پژوهش حاضر، در اقدامات فرهنگی پیامبران و امامان معصوم در هر سه نظام فرهنگ (نگرشی، گرایشی و رفتاری)، کاربرد اشیا به عنوان یک روش مستقل و متفاوت مشاهده می‌شود. آن بزرگواران با عنایت به شرایط و وضعیت محیطی موجود، به بهترین شکل از جمادات بهره برده تا پیام فرهنگی خود را قابل درک حسی کنند؛ هر چند بنا بر منابع موجود، این روش حجم محدودی از گزاره‌های فرهنگی را به خود اختصاص داده است. با این وجود، فقدان وسایل آموزشی و امکاناتی که مرتبط با دوره و عصر ایشان بوده، می‌تواند لزوم توجه به این روش را در عصر جدید یادآور شود. از این رو، در فرایند آموزش دین و انتقال فرهنگ دینی به مخاطبان در محیط‌های آموزشی و غیر آموزشی، اتخاذ این روش بر اساس سیره معصومین ضروری به نظر می‌رسد؛ هر چند فرهنگ‌سازی دینی در سیره معصومین منحصر به فرایند آموزش نیست. در محیط آموزشی، عملکرد شخصی مربی و آموزگار، مانند نوع پوشش و تزئینات شخصی نیز ظرفیت ساخت فرهنگ را دارد.

بنابر این، نتایج ذیل به صورت مشخص بیان می‌شود:

1. بخشی از فرایند فرهنگ‌سازی توسط معلمان معصوم از طریق انتقال بصری صورت پذیرفته است که این موضوع، اتکای صرف به آموزش فرهنگ دینی در دانشگاه از راه گفتار را خدشه‌دار می‌کند. از این رو، کاربرد ابزارهای کمک‌آموزشی در جریان تعلیم فرهنگ اسلامی ضروری تلقی می‌شود. ابزارهای مطلوب، لزوماً اشیای پیچیده الکترونیکی و لوازم صوتی و تصویری نبوده و گاه می‌تواند جمادات ساده‌ای باشد که با هنر استاد، استفاده فرهنگی از آنها می‌شود.

2. فرهنگ‌سازی برای دانشجوی، منحصر به کلاسها و ساعات درسی نیست، بلکه تمامی صحنه‌های تعامل با آنان، چه در درون یا بیرون دانشگاه، فضای انتقال فرهنگ تلقی شده و استاد می‌تواند با بهره‌گیری از جمادات محیطی و اشیای بی‌جان، به ایجاد هدف فرهنگی خود اقدام کند.

3. هر بخش از متولیان فرهنگ در یک محیط آموزشی، اعم از اساتید، روحانی دانشگاه یا مدیریت فرهنگی دانشگاه، در مسئله تزئینات ساختمانی و وسایل محیطی دانشگاه بایستی موضوع انتقال فرهنگ را مد نظر داشته باشند؛ بدین نحو که هر کدام از تصاویر، تمثالها یا دکورهای موجود در فضای دانشگاه چگونه می‌توانند سازنده نگرشی توحیدی یا گرایشی الهی یا رفتاری ارزشمند بر اساس فرهنگ اسلامی باشند. این خود بخشی از آموزش و انتقال فرهنگ در آن محیط علمی تلقی می‌شود.

نقش کاربرست اشیا بر فرهنگ‌سازی دینی در سیره معصومین(ع) ❖ 591

4. دستاورد مهم پایانی این پژوهش آن است که در موضوع «فرهنگ‌پذیری» در دانشگاه اسلامی، کاربرست اشیا چه در محیط و چه در فرایند آموزش، نقش تسهیل‌گرانه و مکمل دارد. به دیگر سخن؛ کاربرست اشیا، بخشی از مجموعه عناصری است که ظرفیت انتقال پیام فرهنگی و باورمندسازی فرهنگ اسلامی را دارد.

در راستای پژوهش حاضر، پیشنهاد‌های پژوهشی ذیل ارائه می‌شود:

- بررسی کیفیت انتقال نگرش توحیدی در دانشگاه اسلامی.
- روش‌شناسی فرهنگ‌سازی از طریق غیر کلامی در محیط علمی.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. صبحی صالح (1414 ق). قم: هجرت.
- ابن اثیر، عزالدین (1285 ق). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. مصرک مطبعه وهیبه.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (1385 ق). دعائم الاسلام. آصف فیضی. قم: آل البیت، چ دوم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (1379 ق). مناقب آل ابی طالب. قم: علامه.
- ابن کثیر دمشقی (1407 ق). البدایه و النهایه. بیروت: دار الفکر.
- اربلی، علی بن عیسی (1381 ق). کشف الغمه فی معرفه الانمه. هاشم رسولی. تبریز: بنی هاشمی.
- امام خمینی، سید روح الله (68-1361). صحیفه نور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امینی، عبدالحسین (بی تا). التدیو فی الكتاب و السنه و الادب. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- آشوری، داریوش (1357). تعریفها و مفهوم فرهنگ. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- ترمذی، محمد بن عیسی (1403 ق). سنن ترمذی. بیروت: دارالفکر.
- جلالی، حسین (1380). «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آنها». معرفت، ش 50.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (1411 ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. محمدباقر محمودی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دغدغه‌های فرهنگی (1390). شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال 1373 با استفاده از دیگر بیانات معظم له. تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
- دهخدا، علی اکبر (1341). لغتنامه. زیر نظر محمد معین. تهران: گلشن.
- شرف الدین، سید حسین (1377). «تگوش». معرفت، ش 25.
- شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (1362). الخصال. علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (1376). الامالی. تهران: کتابچی، چ ششم.
- شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (1378 ق). عیون اخبار الرضا. مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- طباطبایی، محمد حسین (1390 ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: الاعلمی للمطبوعات، چ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (1370). مکارم الاخلاق. قم: الشریف الرضی، چ چهارم.
- طبرسی، فضل بن حسن (1372). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. هاشم رسولی. تهران: ناصر خسرو، چ دوم.
- طبری، محمد بن جریر (1413 ق). دلائل الامامه. قم: بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن (1407 ق). تهذیب الاحکام. حسن الموسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.
- کاشفی، محمدرضا (1392). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم، المصطفی، چ چهارم.

نقش کاربست اشیا بر فرهنگ‌سازی دینی در سیره معصومین (ع) 593

- کلینی، محمد بن یعقوب (1407ق). *الکافی*. علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج چهارم.
- مجلسی، محمدباقر (1403ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج دوم.
- محمدقاسمی، حمید (1392). «انتقال آموزه‌های دینی از طریق ارتباطات غیر کلامی در سیره معصومین». *نوآوری‌های آموزشی*، سال دوازدهم، ش 45.
- ورام بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی. (1410ق). *مجموعه ورام*. قم: مکتبه فقیه.
- **The Holy Quran.**
- **Nahj al-Balagha** (1414 AH). Sobhi Saleh. Qom, Hijrat.
- Amini, Abdolhosain (!). **Al-Ghadir Fi Ketab and Al-Sunnah and Al-Adab**. Tehran: Dar Al-Kotob al-Islamieh.
- Ashoori, Daryosh (1978). **Definitions and Concept of Culture**. Tehran: Asia Cultural Documentation Center.
- **Cultural Concerns** (2011). A Detailed Explanation of one of the Central Statements of the Supreme Leader in 1994, using other Great Statements. Tehran: Iman Jihadi Institute.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1962). **Dictionary**. Under the Supervision of Mohammad Moein. Tehran: Golshan.
- Erbeli, Ali ibn Isa (1381 AH). **Kashf-Al-Ghemah Fee Marefat-Al-Aemeh**. Hashem Rasouli. Tabriz: Bani Hashemi.
- Hasakani, Obeid Allah bin Abdullah (1411 AH). **Evidence of Al-Tanzil Le-Ghavaed al-TaFasil**. Mohammad Bagher Mahmoudi. Tehran: Publication of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Ibn Athir, Ezzeddin (1285 AH). **Asad al-Ghabat Fi Marefat al-Sahabah**. Egypt: Vahbieh Pub.
- Ibn Hayoun, Noman bin Muhammad (1385 AH). **Daaem al-Islam**. Asef Feizi. Qom: All Al-Bait Institute, Second Edition.
- Ibn Kathir Damashghi (1407 AH). **Al-Bedayeh and Al-Nahayeh**. Beirut: Dar Al-Fekr.
- Ibn Shahr Ashoob Mazandarani, Mohammad ibn Ali (1379 AH). **Manaqib Al Abu Talib**. Qom: Allameh.
- Imam Khomeini (1982-89). **Sahifeh Noor**. Tehran: Publishing and Printing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Jalali, Hussein (2001). “**An Introduction to the Discourse of Insight, Trend, Action and Their Interactions**”. *Knowledge*, No. 50.
- Kashefi, Mohammad Reza (2013). **History of Islamic Culture and Civilization**. Qom: Al-Mustafa Publishing House, Fourth Edition.
- Koleyni, Mohammad bin Ya'qub (1407 AH). **Al-Kafi**. Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi. Tehran: Dar Al-Kotob al-Islamiyah, Fourth Edition.

- Majlesi, Mohammad Bagher (1403 AH). **Bahar Al-Anwar**. Beirut: Dar Al-Reath Al-Arabi, Second Edition.
- Mohammad Ghasemi, Hamid (2013). “**Transmission of Religious Doctrines through Nonverbal Communication in the Immortal Family**”. *Quarterly Educational Innovations*, 12th Year, No. 45.
- Sharaf al-Din, Seyyed Hossein (1998). “**Attitude**”. *Knowledge*, No. 25.
- Sheikh Sadugh, Mohammad ibn Ali Ibn Babewayh (1997). **Al-Amali**. Tehran: Ketabchi, Sixth Edition.
- Sheikh Sadugh, Mohammad bin Ali Ibn Babewayh, (1983). **Al-Khesal**. Ali Akbar Ghaffari. Qom: Teachers' Society.
- Sheikh Sadugh, Mohammad bin Ali Ibn Babewayh (1378 AH). **Oyoun Akhbar al-Reza**. Mehdi Lajevardi. Tehran, Publishing Jahan.
- Tabari, Mohammad bin Jarir (1413 AH). **Dalayer Al-Imameh**. Qom: Be'sat.
- Tabarsi, Fazl ibn Hassan (1993). **Assembly of Al-Bayan Fee Tafsir Al-Quran**. Hashem Rasuli. Tehran: Naser Khosrow, Second Edition.
- Tabarsi, Fazl ibn Hassan (1991). **Makarem al-Akhlagh**. Qom: Al-Sharif Al-Razi, Fourth Edition
- Tabatabaei, Mohammad Hussein (2011). **Al-Mizan Fee Tafsir Al-Quran**. Beirut: Institute of Public Awareness of the Press, Second Edition.
- Tarmazi, Mohammad bin Isa (1403 AH). **Chen Tarmazi**. Beirut: Dar Al-Fekr.
- Tusi, Mohammad ibn Hassan (1407 AH). **Tahzib Al-Ahkam**. Hassan al-Musavi. Tehran, Dar al-Kotob al-Islamiyah, Fourth Edition.
- Varam bin Aby Fares, Masoud bin Isa (1410 AH). **Varam Complex**. Qom: Maktabeh Faghieh.

